

عنوان مقاله:

تحلیل «سایه» در هفت پیکر نظامی از دیدگاه نقد کهن الگویی

محل انتشار:

دهمین همایش ملی متن پژوهی ادبی فرهنگ، هنر و ادبیات عامه (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

ناهید اشرفی - دانشجوی دکتری دانشگاه تبریز

خلاصه مقاله:

نقد اسطوره شناختی یا کهن الگویی یکی از رویکردهای اصلی نقد ادبی معاصر است که بر یافته های روان شناسی معاصر به ویژه نظریات «کارل گوستاو یونگ» و نظریه ی شخصیتی او روانشناسی تحلیلی» استوار شده است. کهن الگو (Archetype) مهم ترین اصطلاح مکتب یونگ است که «شکل های ابتدایی، ذاتی و موروثی بشر را تشکیل می دهد.» (یونگ، ۱۳۵۲: ۱۰۰) سایه، آنیموس، آنیما و نقاب از مهم ترین کهن الگوها هستند، معمولا آثار ادبی تجلیگاه این کهن الگوها هستند علی الخصوص آثاری که با زبانی نمادین و در قالب داستان، افسانه با اسطوره ارائه می شود. از آنجا که هفت پیکر در زمره منظومه های رمزی است که با افسانه و اسطوره در آمیخته است. می توان در آن به بررسی کهن الگوهای مختلف پرداخت. در این پژوهش کهن الگوی «سایه» (shadow) و جلوه های آن در شخصیتها و کنش های هفت پیکر بررسی شده است. این تحلیل نشان میدهد «سایه» تعیین کننده ی بسیاری از رفتارها و کنش های داستان است و قهرمانان در هفت پیکر برای رسیدن به هدف با «سایه» ارتباط مثبت برقرار می کنند.

کلمات کلیدی:

کهن الگو (آرکی تایپ)، سایه، هفت پیکر، ناخودآگاه، یونگ.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1382464>

